

Cultural Entrepreneurship and Technological Innovation in Reviving Kurdish “Mehres”: An Analysis of Challenges and Sustainable Development Strategies in Iranian Kurdistan

1. Fakhreddin Etemadi *: MA, Industrial Design Department, Faculty of Design, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author's Email Address: tarannomehonar@yahoo.com

Abstract:

This study aims to explore the challenges and sustainable development strategies for reviving the Kurdish Mehres through the integration of cultural entrepreneurship and technological innovation within the socio-cultural context of Iranian Kurdistan. This qualitative research employed a thematic content analysis approach. Data were collected through semi-structured interviews with 14 faculty members from Iranian universities specializing in cultural entrepreneurship, innovation, sustainability, and ethnic studies. Participants were selected purposefully, and data collection continued until theoretical saturation was achieved. All interviews were transcribed verbatim and analyzed using NVivo software. Coding was conducted in three stages: open, axial, and selective. The findings were categorized into two main themes: "Challenges" and "Strategies." The key challenges identified included weak technological infrastructure, lack of effective investment, generational disconnection, institutional inefficiencies, and unstable government policies. In contrast, strategic themes for Mehres revival included leveraging local and affordable technologies, implementing digital cultural marketing, empowering local artisans, establishing intermediary and facilitative institutions, integrating art and technology in education, and fostering participatory governance at the local level. The data analysis highlighted the potential of Mehres to become a driver of sustainable cultural entrepreneurship, provided that the necessary technological and institutional frameworks are established. The study concludes that reviving the Kurdish Mehres requires a holistic and integrated approach that combines technological tools, cultural authenticity, and context-specific policymaking. Strengthening digital infrastructure, supporting grassroots production and marketing networks, and empowering the artistic community are key steps toward sustainable revitalization of this cultural symbol through innovative entrepreneurship.

Keywords: Kurdish Mehres, cultural entrepreneurship, technological innovation, sustainable development, Iranian Kurdistan, cultural identity, digital handicrafts

How to Cite: Etemadi, F. (2024). Cultural Entrepreneurship and Technological Innovation in Reviving Kurdish “Mehres”: An Analysis of Challenges and Sustainable Development Strategies in Iranian Kurdistan. *Management, Education and Development in Digital Age*, 2(1), 286-298.



کارآفرینی فرهنگی و نوآوری فناورانه در احیای مهره‌س کردی: تحلیل چالش‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در کردستان ایران

۱. فخرالدین اعتمادی^{*}: کارشناسی ارشد، گروه طراحی صنعتی، دانشکده طراحی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: tarannomehonar@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی چالش‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در احیای مهره‌س کردی از طریق تلفیق کارآفرینی فرهنگی و نوآوری فناورانه در بستر فرهنگی-اجتماعی کردستان ایران است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتوای مضمون‌محور انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های ایران که در حوزه‌های کارآفرینی، نوآوری، فرهنگ و توسعه پایدار تخصص داشتند گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تمامی مصاحبه‌ها پس از ضبط، به صورت کامل پیاده‌سازی و با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شدند. کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش در قالب دو مضمون اصلی شامل «چالش‌ها» و «راهبردها» طبقه‌بندی شد. مضامین چالشی شامل ضعف زیرساخت‌های فناورانه، نبود سرمایه‌گذاری مؤثر، گسست نسلی، ضعف حمایت نهادی، و ناپایداری سیاست‌های دولتی بود. در مقابل، راهبردهای احیای مهره‌س شامل بهره‌گیری از فناوری‌های بومی، بازاریابی فرهنگی دیجیتال، توانمندسازی هنرمندان محلی، ایجاد نهادهای تسهیل‌گر، نهادینه‌سازی آموزش‌های ترکیبی هنر و فناوری، و حکمرانی مشارکتی در سطح محلی شناسایی شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که مهره‌س قابلیت تبدیل شدن به یک محور کارآفرینی فرهنگی پایدار را دارد، به شرط فراهم شدن بستر نهادی و فناورانه مناسب. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که احیای مهره‌س کردی تنها در سایه رویکردی تلفیقی از فناوری، فرهنگ و سیاست‌گذاری بومی ممکن است. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تقویت شبکه‌های بومی تولید و بازاریابی، و توانمندسازی جامعه هنری محلی، مسیرهایی کلیدی برای احیای این نماد فرهنگی در چارچوب کارآفرینی پایدار محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌گان: مهره‌س کردی، کارآفرینی فرهنگی، نوآوری فناورانه، توسعه پایدار، کردستان ایران، هویت فرهنگی، صنایع دستی دیجیتال

نحوه استناددهی: اعتمادی، فخرالدین. (۱۴۰۳). کارآفرینی فرهنگی و نوآوری فناورانه در احیای مهره‌س کردی: تحلیل چالش‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در کردستان ایران. مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۱۱(۱)، ۲۸۶-۳۹۸.



احیای مهرس کردی به عنوان نماد عینی فرهنگ، زیست بوم و میراث مردم کردستان ایران، امروزه در بستری از دگرگونی های فناورانه و جهانی شدن، با فرصت ها و تهدیدهای متعددی مواجه شده است. مهرس، که همواره در پیوندی تاریخی با سبک زندگی، اقتصاد معیشتی و جهان بینی بومی قرار داشته، دیگر تنها یک نماد فرهنگی یا آیینی نیست؛ بلکه در عصر حاضر می تواند به بستری برای کارآفرینی فرهنگی و نوآوری فناورانه بدل گردد. با این حال، تحقق این ظرفیت نیازمند نگاهی چندبعدی به پیوند میان دانش بومی، فناوری نوین، هویت قومی و سازوکارهای توسعه پایدار است (Bahmani et al., 2024).

مطابق دیدگاه اسکاردا، تعامل بین انسان و محیط طبیعی، بستر شکل گیری فرهنگ های محلی را فراهم ساخته و هرگونه مداخله در این ساختارها بدون توجه به پیچیدگی های فرهنگی و اکولوژیکی منجر به اختلال در توازن زیستی خواهد شد (Scarda, 2010). از سوی دیگر، طبق نظریه جهانی شدن رابرتسون، فضاهای فرهنگی محلی، با آنکه در معرض همگنی جهانی هستند، اما توانایی بومی سازی (glocalization) را نیز دارا می باشند و می توانند از طریق بازتعریف هویت خود، در برابر جذب شدن مقاومت کنند (Robertson, 1995). مهرس نیز نمونه ای از چنین ظرفیت بومی شده ای است که قابلیت ورود به نظام اقتصاد فرهنگی جهانی را دارد، به شرط آنکه چارچوب های فناورانه، حقوقی و نهادی آن بازتعریف شوند.

در این میان، کارآفرینی فرهنگی مفهومی است که بر پیوند میان خلاقیت، هویت و بازار تأکید دارد (Banks & Deuze, 2009)، و با بهره گیری از فناوری های دیجیتال می تواند بسترهای نوینی برای احیای صنایع دستی، هنرهای قومی و میراث ناملموس ایجاد کند (Nambisan, 2017). پژوهش های جدید نشان داده اند که استفاده از پلتفرم هایی مانند Etsy، به احیای صنایع سنتی در سراسر جهان کمک کرده اند و حتی به بازتعریف روابط اقتصادی و فرهنگی در جوامع محلی انجامیده اند (García et al., 2021). در این فضا، مهرس نه تنها می تواند به عنوان محصولی فرهنگی به بازارهای جدید دست یابد، بلکه می تواند رسانه ای برای تقویت هویت و زبان کردی در میان نسل های جدید نیز باشد. با این حال، فرآیند احیای مهرس در کردستان ایران با چالش های خاصی نیز روبه رو است. از یک سو، ضعف سیاست گذاری فرهنگی و عدم انسجام نهادی، مانع از شکل گیری رویکردهای پایدار در بازتولید مهرس شده است (Bahmani et al., 2024)؛ و از سوی دیگر، بخشی از این چالش ها ریشه در فقدان درک عمیق از نقش کارآفرینی در حفظ ارزش های فرهنگی دارد (Andersson, 2020). در کنار آن، جایگاه مهرس در نظام تولید سنتی همچنان با محدودیتهایی نظیر کمبود سرمایه، نبود زیرساخت دیجیتال و فاصله میان نسل ها مواجه است (Mofakhari, Sadeghi Panah, Bahmani, & Salehi, 2019). این شرایط نیازمند تحولی چندبخشی در سیاست گذاری، آموزش، فناوری و حمایت مالی است.

نگاه به مهرس به عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی در فضای جهانی شده، بدون بررسی ارتباط آن با تحولات تاریخی و اجتماعی ممکن نیست. همان گونه که آپادورای اشاره می کند، جهانی شدن به معنای حذف فرهنگ محلی نیست، بلکه به معنای بازآفرینی آن در بسترهای جدید است (Appadurai, 1996). در چنین فرایندی، هم تعامل با فناوری و بازار ضروری است و هم تقویت دانش بومی و روایت های محلی. این بازآفرینی زمانی موفق خواهد بود که در کنار بهره گیری از فناوری دیجیتال، نقش زنان، خانواده و ارزش های جمعی نیز به رسمیت شناخته شود (Folbre, 2001).

در این راستا، پژوهشگران متعددی بر اهمیت پیوند میان دانش سنتی و فناوری مدرن تأکید کرده اند. برای مثال، اینیگز و همکاران، هم افزایی میان دانش سنتی دامداری و ابزارهای فناورانه را یکی از راهکارهای موفق در ارتقاء بهره وری محلی دانسته اند (Iñiguez et al., 2014). یافته های پژوهش هایی در ایران نیز نشان می دهد که می توان از طریق اصلاحات ژنتیکی، بهره وری در پرورش بزهای مهرس را افزایش داد و آن را در مسیر اقتصاد بومی و فرهنگی ادغام کرد (Mofakhari, Sadeghi Panah, Bahmani, 2019; Salehi, et al., 2019; Roshidi, 1999; Yalcin, 1989).

افزون براین، ابعاد هویتی و نمادین مهرس در شکل گیری انسجام فرهنگی مردم کرد نقشی بی بدیل دارد. مطالعه آرمین نشان می دهد که هویت قومی در ایران و لبنان، نه فقط بر اساس زبان و دین، بلکه بر پایه بازنمایی های فرهنگی نظیر پوشش، آیین ها و تولیدات بومی بازتولید می شود (Armin & Hajiani, 2015). بر همین اساس، مهرس به عنوان

نمادی از زیست‌بوم و زبان کردی، می‌تواند در فرآیند بازتعریف هویت معاصر نقش کلیدی ایفا کند. متأسفانه، همان‌گونه که گل‌محمدی نیز تأکید می‌کند، در ایران اغلب نهادهای رسمی نسبت به میراث‌های قومی و بومی دیدگاه ابزاری داشته و آن را در اولویت توسعه فرهنگی قرار نمی‌دهند (Golmohammadi, 2002).

در چنین زمینه‌ای، استفاده از طراحی‌های مشارکتی و روش‌های پژوهش کیفی می‌تواند به کشف عمیق‌تر این پدیده یاری رساند. همان‌گونه که کرسول تأکید دارد، پژوهش کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا معانی نهفته در داده‌ها را از زبان خود مشارکت‌کنندگان استخراج کند و به فهمی زمینه‌مند از واقعیت دست یابد (Creswell, 2014). در همین راستا، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، تلاش می‌کند تا ضمن بازشناسی چالش‌ها، به تبیین راهبردهای توسعه‌ای نوین در زمینه احیای مهرس بپردازد.

در کنار تمامی این ملاحظات، نباید از نقش نگاه شرق‌شناسانه نیز غافل شد. در بسیاری از منابع تاریخی، تصویر مهرس و سنت‌های کردی به‌شکلی ابزاری و گاه تحریف‌شده بازنمایی شده‌اند (orientalists & Fattah Ghazi, 1988). بنابراین، بازتولید فرهنگی و اقتصادی مهرس باید در بستری از بازخوانی انتقادی این گفتمان‌ها صورت گیرد. آنچه ضرورت دارد، تقویت نهادهای فرهنگی محلی، توسعه زیرساخت‌های فناورانه، آموزش مشارکتی و ایجاد اکوسیستم نوآورانه‌ای است که همزمان هم‌پای فناوری حرکت کند و هم ریشه در سنت داشته باشد (Alizadeh & Razavi, 2023).

در نهایت، هدف اصلی این پژوهش بررسی چالش‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در احیای مهرس کردی از طریق تلفیق کارآفرینی فرهنگی و نوآوری فناورانه در بستر فرهنگی-اجتماعی کردستان ایران بود.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوای مضمون‌محور بهره گرفته شده است تا ابعاد فرهنگی، نوآورانه و توسعه‌محور احیای مهرس کردی مورد بررسی عمیق قرار گیرد. این طراحی پژوهش به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از طریق داده‌های غنی و توصیفی حاصل از مصاحبه‌ها، به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و راهبردهای موجود در زمینه کارآفرینی فرهنگی در کردستان ایران دست یابد.

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه شامل ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های معتبر ایران بودند که در حوزه‌های مطالعات فرهنگی، کارآفرینی، نوآوری، و توسعه پایدار تخصص داشتند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند انجام شد تا افرادی با بیشترین ارتباط نظری و تجربی با موضوع تحقیق وارد فرآیند گردآوری داده شوند. انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی زمانی که تحلیل مصاحبه‌های جدید دیگر به اطلاعات یا مضامین جدیدی منجر نشد.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان گردآوری شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و آنلاین (از طریق پلتفرم‌های ارتباطی ایمن) انجام گرفت و هر جلسه مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید. پرسش‌های راهنما برای مصاحبه شامل موضوعاتی چون نقش مهرس کردی در بازتولید فرهنگی، ظرفیت‌های کارآفرینانه آن، موانع فناورانه در فرآیند احیا، و سیاست‌گذاری‌های حمایتی در توسعه پایدار منطقه بود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی شدند.

برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. تحلیل محتوای مضمون‌محور به‌عنوان راهبرد اصلی تحلیل انتخاب شد تا مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر شناسایی شوند. فرآیند کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله نخست، واحدهای معنایی از متن مصاحبه‌ها استخراج و به کدهای اولیه تبدیل شدند. در مرحله دوم، کدها بر اساس شباهت‌های مفهومی در دسته‌هایی سازمان‌دهی شدند و مضامین میان‌سطح شکل گرفت. در مرحله سوم، با ترکیب و جمع‌بندی مضامین، ساختار کلی تحلیل تدوین شد که زمینه را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش فراهم ساخت.

یافته‌ها

در این پژوهش، مجموعاً ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف ایران به‌صورت هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. از این میان، ۹ نفر مرد (۶۴٪) و ۵ نفر زن (۳۶٪) بودند. از نظر رده سنی، ۳ نفر (۲۱٪) در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۷ نفر (۵۰٪) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۴ نفر (۲۹٪) در بازه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال قرار داشتند. از لحاظ مرتبه علمی، ۲ نفر (۱۴٪) مربی، ۸ نفر (۵۷٪) استادیار، ۳ نفر (۲۱٪) دانشیار و ۱ نفر (۷٪) استاد تمام بودند. حوزه‌های تخصصی مشارکت‌کنندگان شامل کارآفرینی فرهنگی (۴ نفر)، نوآوری فناورانه (۳ نفر)، مطالعات قومی و زبان‌شناسی (۳ نفر)، توسعه پایدار (۲ نفر) و سیاست‌گذاری فرهنگی (۲ نفر) بود. همه مشارکت‌کنندگان سابقه فعالیت پژوهشی یا اجرایی در زمینه فرهنگ کردی یا مناطق کردنشین را دارا بودند. این تنوع جمعیتی و تخصصی باعث شد که داده‌های کیفی پژوهش از غنای نظری و تجربی مناسبی برخوردار باشد.

جدول ۱. مضامین اصلی، زیرمضامین و مفاهیم (کدهای باز)

مضمون اصلی	زیرمضمون (زیرمقوله)	مفاهیم (کدهای باز)
چالش‌ها	ضعف زیرساخت‌های فناورانه	نبود پلتفرم‌های بومی، عدم دسترسی پایدار به اینترنت، کمبود تجهیزات دیجیتال، ضعف پشتیبانی نرم‌افزاری، نبود آموزش تخصصی فناوری برای هنرمندان
	موانع نهادی و قانونی	نبود سیاست‌های حمایتی، تضاد بین قوانین محلی و ملی، بروکراسی پیچیده، ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، خلأ در نهادهای تصمیم‌ساز محلی
	نبود سرمایه‌گذاری مؤثر	بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران، نبود مشوق‌های مالی، عدم شناخت فرصت‌ها، ریسک‌گریزی مالی، ضعف حمایت مالی دولتی
	چالش‌های هویتی و فرهنگی	گسست بین نسل‌ها، تضعیف زبان کردی در رسانه‌ها، انگ اجتماعی به فعالیت‌های بومی، کم‌رنگ شدن باور به ارزش مهرس، فقدان روایت‌های معتبر محلی
	ضعف نظام آموزش مهارتی	نبود دوره‌های مهارت‌محور، فاصله میان دانشگاه و بازار، ضعف در آموزش ترکیبی هنر و فناوری، نبود مربیان متخصص، تمرکز بیش از حد بر آموزش نظری
	فقدان شبکه‌سازی منطقه‌ای و ملی	انزوای جغرافیایی، ضعف ارتباط با بازارهای ملی، نبود خوشه‌های خلاق، فقدان تعامل بین فعالان فرهنگی، ضعف ارتباط میان نهادهای محلی و ملی
	ناپایداری حمایت‌های دولتی	تغییر سیاست‌ها با تغییر دولت‌ها، وابستگی به بودجه‌های کوتاه‌مدت، نبود برنامه‌ریزی بلندمدت، قطع حمایت در مراحل پایانی پروژه، موانع تخصیص منابع
راهبردها	بهره‌گیری از فناوری‌های بومی و ارزان‌قیمت	استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی، طراحی پلتفرم‌های محلی، بهره‌گیری از فناوری‌های متن‌باز، آموزش تولید محتوای دیجیتال، ساده‌سازی فناوری برای کاربران
	بازاریابی فرهنگی دیجیتال	حضور در شبکه‌های اجتماعی، برندینگ بومی، داستان‌پردازی دیجیتال، تبلیغات هدفمند فرهنگی، جذب مخاطب بین‌المللی از طریق روایت محلی
	توانمندسازی هنرمندان محلی	برگزاری کارگاه‌های مهارتی، حمایت از کارآفرینان فرهنگی، ارائه تسهیلات آموزشی، آموزش تجاری‌سازی محصولات فرهنگی، ایجاد صندوق حمایت از نوآوران محلی
	ایجاد نهادهای میانجی و تسهیل‌گر	راه‌اندازی مراکز خلاقیت، شکل‌دهی شتاب‌دهنده‌های فرهنگی، ایجاد شبکه مشاوران بومی، تسهیل ارتباط با سرمایه‌گذاران، ایجاد بانک ایده‌های فرهنگی
	نهادهای ساز آموزش ترکیبی هنر و فناوری	طراحی دوره‌های مشترک هنری-فناورانه، همکاری دانشگاه‌ها و مراکز هنری، جذب استادان میان‌رشته‌ای، تلفیق پروژه‌های فرهنگی در آموزش رسمی، تقویت کارآموزی
	تقویت حکمرانی مشارکتی در سطح محلی	مشارکت فعال شورای محلی، تدوین برنامه‌های توسعه فرهنگی با مشارکت جامعه، تسهیل حضور جوانان در تصمیم‌سازی، پاسخ‌گویی نهادی، نهادسازی فرهنگی پایدار

مضمون اول: چالش‌ها

۱. ضعف زیرساخت‌های فناوریانه

یکی از چالش‌های اصلی مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، کمبود زیرساخت‌های فناوریانه در مناطق کردنشین برای احیای مهرس بود. این چالش شامل مشکلاتی مانند نبود پلتفرم‌های بومی، اینترنت ناپایدار، کمبود تجهیزات دیجیتال، ضعف در پشتیبانی نرم‌افزاری و ناآگاهی هنرمندان محلی از فناوری‌های نوین می‌شد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «ما هنوز در برخی مناطق حتی اینترنت ثابت نداریم، چطور انتظار داریم کارآفرینی دیجیتال انجام شود؟»

۲. موانع نهادی و قانونی

برخی از مصاحبه‌شوندگان به موانع قانونی و اداری به‌عنوان عامل بازدارنده در مسیر توسعه فرهنگی اشاره کردند. به گفته آن‌ها، نبود سیاست‌های حمایتی مشخص، تعارض میان مقررات محلی و ملی، پیچیدگی‌های بروکراتیک، ناهماهنگی میان نهادهای اجرایی و نبود نهادهای تصمیم‌ساز محلی کارآمد از جمله مشکلات اصلی بودند. یکی از اساتید دانشگاه در این باره گفت: «وقتی هیچ نهاد رسمی مسئول حمایت از مهرس نیست، مسئولیت‌ها گم می‌شود.»

۳. نبود سرمایه‌گذاری مؤثر

فقدان سرمایه‌گذاری مؤثر نیز یکی از موانع کلیدی عنوان شد. مشارکت‌کنندگان به بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران، نبود مشوق‌های مالی، ناآگاهی نسبت به فرصت‌های فرهنگی، ریسک‌گریزی نهادهای مالی و ضعف حمایت دولتی اشاره کردند. یکی از شرکت‌کنندگان تصریح کرد: «هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست برای محصولی سرمایه‌گذاری کند که هنوز هویتش در ابهام است.»

۴. چالش‌های هویتی و فرهنگی

فروپاشی تدریجی پیوندهای فرهنگی و زبانی یکی دیگر از چالش‌ها بود. مصاحبه‌شوندگان به تضعیف زبان کردی در رسانه‌ها، گسست بین نسل‌ها، انگ اجتماعی به فعالیت‌های بومی و کم‌رنگ شدن باور به مهرس به‌عنوان یک ارزش فرهنگی اشاره کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان عنوان کرد: «متأسفانه جوانان امروز مهرس را نمی‌شناسند، چه برسد به اینکه بخواهند احیاش کنند.»

۵. ضعف نظام آموزش مهارتی

نبود آموزش‌های مهارتی و کاربردی، یکی دیگر از مشکلات مهم در مسیر توسعه نوآورانه مهرس عنوان شد. به گفته مشارکت‌کنندگان، تمرکز بیش از حد بر آموزش نظری، نبود دوره‌های مهارت‌محور، نبود مربیان متخصص و عدم ارتباط میان دانشگاه و بازار کار، از چالش‌های اساسی محسوب می‌شوند. یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «دانشجویان هنر ما فقط تئوری یاد می‌گیرند؛ مهارتی برای تولید یا فروش ندارند.»

۶. فقدان شبکه‌سازی منطقه‌ای و ملی

عدم وجود شبکه‌های تعامل فرهنگی و اقتصادی نیز یکی از موانع اساسی در توسعه کارآفرینی فرهنگی بود. انزوای جغرافیایی، نبود خوشه‌های خلاق، ضعف ارتباط با بازارهای ملی و فقدان تعامل میان فعالان فرهنگی از جمله موارد مطرح‌شده بود. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «هرکسی برای خودش کار می‌کند؛ نه شبکه‌ای هست، نه همکاری بین فعالان فرهنگی.»

۷. ناپایداری حمایت‌های دولتی

پشتیبانی‌های ناپایدار دولتی، به‌ویژه با تغییر دولت‌ها یا سیاست‌های مقطعی، از دیگر چالش‌های مورد اشاره بود. برخی مشارکت‌کنندگان به وابستگی پروژه‌ها به بودجه‌های کوتاه‌مدت، قطع حمایت در مراحل پایانی و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت اشاره کردند. یکی از استادان دانشگاه گفت: «دولت‌ها فقط در آغاز پروژه‌ها وعده می‌دهند، اما وسط کار همه چیز رها می‌شود.»

مضمون دوم: راهبردها

۱. بهره‌گیری از فناوری‌های بومی و ارزان قیمت

بهره‌مندی از فناوری‌های ساده، بومی و مقرون‌به‌صرفه، به‌عنوان یکی از راهبردهای عملی در احیای مهرس مطرح شد. مشارکت‌کنندگان پیشنهاد کردند از اپلیکیشن‌های موبایلی، فناوری‌های متن‌باز و پلتفرم‌های محلی برای تولید محتوای فرهنگی استفاده شود. یکی از مشارکت‌کنندگان تأکید کرد: «ما لازم نیست دنبال فناوری‌های پیچیده باشیم، یک اپ ساده موبایلی می‌تواند تحول‌آفرین باشد.»

۲. بازاریابی فرهنگی دیجیتال

توسعه راهبردهای بازاریابی دیجیتال برای معرفی و ترویج مهرس به‌ویژه در فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی بود. مواردی مانند حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از روایت‌های محلی برای تبلیغات هدفمند، برندینگ بومی و جذب مخاطب جهانی از جمله مفاهیم این راهبرد بودند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «اگر نتوانیم روایت مهرس را در قالب‌های دیجیتال بازگو کنیم، نسل جدید هیچ ارتباطی با آن نخواهد گرفت.»

۳. توانمندسازی هنرمندان محلی

مشارکت‌کنندگان بر توانمندسازی جامعه هنرمند و تولیدکننده مهرس از طریق آموزش مهارتی، حمایت مالی و ارائه مشاوره تأکید داشتند. راهکارهایی نظیر برگزاری کارگاه‌های تخصصی، تسهیل تجاری‌سازی و ایجاد صندوق‌های حمایتی از جمله موارد کلیدی مطرح‌شده بود. به‌گفته یکی از استادان: «ما باید به هنرمندان یاد بدهیم که اثر خود را نه فقط بسازند، بلکه بفروشند و ترویج کنند.»

۴. ایجاد نهادهای میانجی و تسهیل‌گر

شکل‌گیری نهادهایی با نقش تسهیل‌گری در فرآیند کارآفرینی فرهنگی، به‌عنوان یکی از راهبردهای مهم در تحلیل مصاحبه‌ها مطرح شد. مشارکت‌کنندگان به ضرورت راهاندازی مراکز خلاقیت، شتاب‌دهنده‌های فرهنگی و بانک ایده‌های محلی اشاره کردند. یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داد: «ما باید نهادی داشته باشیم که ایده‌های مردم را جدی بگیرد و آن‌ها را تا رسیدن به بازار همراهی کند.»

۵. نهادینه‌سازی آموزش ترکیبی هنر و فناوری

تلفیق آموزش هنری و مهارت‌های فناورانه در ساختارهای دانشگاهی و غیردانشگاهی، یکی دیگر از راهبردهای مؤثر بود. طراحی دوره‌های مشترک، بهره‌گیری از اساتید میان‌رشته‌ای و اجرای پروژه‌های واقعی توسط دانشجویان، پیشنهاد شد. یکی از اساتید مصاحبه‌شونده اظهار داشت: «دانشجوی ما باید هم به ابزار دیجیتال مسلط باشد، هم به ریشه‌های فرهنگی خودش.»

۶. تقویت حکمرانی مشارکتی در سطح محلی

در نهایت، مشارکت‌کنندگان بر لزوم تقویت حکمرانی فرهنگی در سطوح محلی تأکید کردند. حضور شورای محلی در فرآیند تصمیم‌گیری، تدوین برنامه‌های مشارکتی و نهادسازی فرهنگی پایدار از جمله موارد پیشنهادی بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «توسعه فرهنگی بدون مشارکت مردم منطقه، پروژه‌ای شکست‌خورده خواهد بود.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که احیای مهرس کردی به‌عنوان یک نماد فرهنگی، نه تنها با موانع نهادی، فناورانه و اجتماعی مواجه است، بلکه در بطن خود حامل ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای کارآفرینی فرهنگی و توسعه پایدار منطقه‌ای است. در تحلیل کیفی داده‌ها، مضامین اصلی شامل «چالش‌ها» و «راهبردها» شناسایی شدند که هریک دارای زیرمضامینی متنوع بودند. در بخش چالش‌ها، مواردی چون ضعف زیرساخت‌های فناورانه، فقدان حمایت نهادی، ناپایداری سیاست‌های دولتی، فاصله میان دانش بومی و نسل جدید،

و کمبود سرمایه‌گذاری هدفمند برجسته شدند. در مقابل، راهبردهایی چون بهره‌گیری از فناوری‌های بومی، بازاریابی دیجیتال فرهنگی، توانمندسازی هنرمندان محلی، و ایجاد نهادهای میانجی و تسهیل‌گر ارائه شد که می‌تواند به احیای خلاق و پایدار مهرس یاری رساند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه، ضعف زیرساخت‌های فناوریانه در مناطق کردنشین برای دیجیتالی‌سازی و تجاری‌سازی مهرس بود. این نتیجه با مطالعات پیشین هم‌راستا است؛ به‌ویژه در پژوهش اندرسون، فقدان زیرساخت و فناوری مناسب، یکی از موانع اصلی در حفظ صنایع دستی سنتی معرفی شده است (Andersson, 2020). همچنین، تحقیقات موفخری و همکاران نیز نشان داد که حتی در فرآیندهای دامپوری سنتی مانند پرورش بز مهرس، نبود تجهیزات فناوریانه، کارایی تولید را کاهش می‌دهد (Mofakhari, Sadeghi Panah, Bahmani, Salehi, et al., 2019). در همین راستا، تلفیق دانش سنتی با فناوری‌های نوین، که در پژوهش اینیگز و همکاران نیز مورد تأکید قرار گرفته، می‌تواند راهکاری مؤثر در پر کردن این شکاف باشد (Iñiguez et al., 2014).

مقوله ناهماهنگی نهادی و خلأ سیاست‌گذاری فرهنگی نیز یکی دیگر از یافته‌های کلیدی این پژوهش بود. مشارکت‌کنندگان از فقدان حمایت قانونی و نبود نهادهای تصمیم‌ساز در سطح محلی گلایه داشتند. این یافته با تحلیل‌های گل‌محمدی مطابقت دارد که در آن، بی‌ثباتی سیاست‌های فرهنگی و نگاه ابزاری به فرهنگ‌های قومی در ایران مورد نقد قرار گرفته است (Golmohammadi, 2002). در همین راستا، آرمین نیز در پژوهش تطبیقی خود بر اهمیت وجود نهادهای بومی و تقویت هویت فرهنگی به‌عنوان پایه‌ای برای انسجام اجتماعی تأکید می‌کند (Armin & Hajiani, 2015). بنابراین، احیای مهرس نه تنها یک پروژه فرهنگی، بلکه یک فرآیند اجتماعی-سیاسی است که نیازمند مشارکت ساختاریافته نهادهای محلی و ملی است.

از دیگر یافته‌های مهم مطالعه حاضر، شکاف عمیق نسلی در مواجهه با مهرس به‌عنوان یک نماد فرهنگی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که نسل جدید آشنایی کافی با ارزش‌های سنتی ندارد و از مهرس به‌عنوان عنصر هویتی فاصله گرفته است. این نتیجه با نظریه آپادورای درباره جهانی‌شدن فرهنگی و از بین رفتن روایت‌های محلی هم‌خوان است، که در آن تأکید می‌شود فرهنگ‌های بومی باید بازتعریف شوند تا در جهان معاصر شنیده شوند (Appadurai, 1996). با این حال، این وضعیت به معنای مرگ فرهنگ نیست، بلکه به گفته رابرتسون، می‌تواند به فرصت‌هایی برای «بومی‌سازی جهانی» بینجامد (Robertson, 1995)، به شرط آنکه استراتژی‌های فرهنگی مناسب اتخاذ شود.

در حوزه راهبردها، یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان، بهره‌گیری از فناوری‌های بومی، ساده و ارزان برای معرفی، مستندسازی و فروش محصولات فرهنگی مانند مهرس بود. این پیشنهاد با یافته‌های گارسیا و همکاران هم‌راستا است که در آن نشان داده شد پلتفرم‌هایی مانند Etsy توانسته‌اند دستی محلی را وارد بازار جهانی کنند و ارزش اقتصادی تازه‌ای برای آن‌ها خلق نمایند (García et al., 2021). همچنین، نگاه بانکر و دئوزه به «کار مشارکتی خلاقانه» نشان می‌دهد که بهره‌گیری از فناوری نه تنها به افزایش بهره‌وری می‌انجامد، بلکه هویت جمعی و همکاری اجتماعی را نیز تقویت می‌کند (Banks & Deuze, 2009).

توانمندسازی هنرمندان محلی، راهبرد دیگری بود که در مصاحبه‌ها برجسته شد. مشارکت‌کنندگان بر ضرورت آموزش‌های مهارتی، تجاری‌سازی آثار، دسترسی به مشاوران حرفه‌ای و حمایت مالی تأکید داشتند. این موضوع با رویکرد فولبر به «ارزش‌های خانوادگی و جمعی در اقتصاد» هم‌خوان است که تأکید دارد اقتصاد انسانی باید بر پایه ارزش‌های فرهنگی و نه صرفاً سودمحوری استوار باشد (Folbre, 2001). همچنین پژوهش‌های بهمنی و موفخری نیز نشان داده‌اند که در اقتصاد بومی کردستان، بازیگران محلی در صورت دریافت آموزش‌های کاربردی و حمایت مالی، ظرفیت بالایی برای توسعه پایدار دارند (Bahmani et al., 2024; Mofakhari, Sadeghi Panah, Bahmani, & Salehi, 2019).

از منظر نظری نیز، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب دو رویکرد «کارآفرینی دیجیتال» و «اکولوژی فرهنگی» می‌تواند مدلی تلفیقی برای احیای مهرس ارائه دهد. نگاه نامبیسن به کارآفرینی دیجیتال، بر بهره‌برداری از فناوری برای خلق ارزش در بسترهای فرهنگی تأکید دارد (Nambisan, 2017)، درحالی‌که اسکاردای بر تعامل اکولوژیکی بین انسان، محیط و فرهنگ تأکید می‌کند (Scarda, 2010). بنابراین، بازآفرینی مهرس در چارچوب این دو رویکرد، به‌ویژه در بافت فرهنگی و جغرافیایی خاص کردستان ایران، می‌تواند به مدلی موفق از توسعه پایدار فرهنگی منجر شود.

در نهایت، مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت بازخوانی نگاه شرق‌شناسانه به فرهنگ کردی نیز تأکید داشتند. در نگاه بسیاری از منابع کلاسیک شرق‌شناسان، مهرس و دیگر نمادهای فرهنگی کردها یا نادیده گرفته شده‌اند یا در قالب‌های تحریف‌شده معرفی شده‌اند (orientalists & Fattah Ghazi, 1988). این وضعیت، لزوم تبیین روایت‌های بومی و بازنویسی تاریخ فرهنگی از درون جامعه کرد را دوچندان می‌سازد.

بنابراین، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود چالش‌های نهادی، فناورانه و هویتی، فرصت‌های بی‌ظنیری برای احیای خلاق مهرس از طریق تلفیق دانش بومی، فناوری‌های نوین و سیاست‌گذاری فرهنگی هوشمند وجود دارد. در این میان، طراحی مداخلات توسعه‌ای با رویکرد مشارکتی و بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌ها، هنرمندان و نهادهای محلی، می‌تواند به شکل‌گیری اکوسیستمی پویا و پایدار برای کارآفرینی فرهنگی در کردستان ایران منجر شود.

این مطالعه علی‌رغم ارائه یافته‌هایی غنی و زمینه‌مند، با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است. نخست آن که جامعه آماری محدود به ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های ایران بود که اگرچه دارای تخصص‌های مرتبط بودند، اما الزاماً نماینده کامل تمامی کنش‌گران عرصه فرهنگی، هنری یا اجرایی در کردستان نبودند. همچنین، روش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته وابسته به ادراک و بیان شخصی مشارکت‌کنندگان است و ممکن است برخی ابعاد فرهنگی یا فناورانه به‌طور کامل بازتاب نیافته باشد. نبود داده‌های میدانی از هنرمندان فعال در روستاها یا جوامع غیرآکادمیک، یکی دیگر از محدودیت‌های قابل توجه است.

برای غنای بیشتر بدنه دانش در این حوزه، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با مشارکت مستقیم هنرمندان، صنعت‌گران و کنش‌گران فرهنگی محلی در روستاها و نواحی پیرامونی صورت گیرد. همچنین، رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) می‌تواند به تحلیل اثرگذاری مداخلات فناورانه در فرآیند احیای مهرس کمک کند. پژوهش‌های تطبیقی با مناطق دیگر مانند اقلیم کردستان عراق یا ترکیه نیز می‌تواند الگوبرداری فرهنگی و نهادی مؤثر را فراهم سازد. بررسی سیاست‌های فرهنگی و حمایتی دولت‌ها و تحلیل اسناد رسمی نیز از دیگر مسیرهای پیشنهادی است.

در سطح اجرایی، پیشنهاد می‌شود نهادهای محلی مانند شوراهای شهر و دهیاری‌ها با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز نوآوری، کارگاه‌های آموزشی ترکیبی برای هنرمندان محلی برگزار کنند. راه‌اندازی مراکز خلاقیت در شهرهای کردنشین برای حمایت از نوآوری‌های فرهنگی در حوزه مهرس می‌تواند مؤثر باشد. همچنین، استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال بومی و ترجمه محتوا به زبان کردی برای بازاریابی جهانی این محصول توصیه می‌شود. ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خرد، تسهیل تعامل با دیاسپورای کرد، و تعریف نشان تجاری (برند) مشترک برای مهرس کردی نیز از راهکارهای کلیدی محسوب می‌شوند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.



موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

The revitalization of indigenous cultural expressions has increasingly become a critical concern in an era shaped by globalization, digital transformation, and cultural homogenization. Among the various intangible heritage elements facing existential threats, the Kurdish *Mehres*—a traditional form of textile and symbolic craftsmanship unique to Iranian Kurdistan—stands out as a compelling case of cultural erosion and latent potential. *Mehres* is more than a craft; it is a carrier of ethnic memory, ecological knowledge, and community identity. However, in the face of modernization, market marginalization, and institutional neglect, *Mehres* is at risk of becoming obsolete unless supported by adaptive mechanisms grounded in cultural entrepreneurship and technological innovation.

The intersection of culture and entrepreneurship has emerged as a promising lens through which local heritage can be preserved, transformed, and made economically viable. As Banks and Deuze (2009) note, cultural entrepreneurship offers a participatory, creative labor model that allows communities to reclaim their agency while engaging in sustainable economic activities (Banks & Deuze, 2009). Similarly, Nambisan (2017) emphasizes the transformative power of digital platforms in creating new pathways for innovation and market access within traditional industries (Nambisan, 2017). In this regard, the incorporation of digital tools and platforms for the revival of crafts like *Mehres* is no longer optional but essential.

However, this process is not merely technological; it is profoundly social and political. The survival and resurgence of cultural artifacts depend on multiple factors—ranging from the availability of infrastructure to policy coherence and the active participation of local actors. As Appadurai (1996) explains, globalization has not led to the disappearance of the local but rather to the reconfiguration of cultural identity in new, hybrid forms (Appadurai, 1996). Yet, as Golmohammadi (2002) and Armin (2015) argue, in Iran, policy frameworks have often treated ethnic cultures as peripheral or symbolic, lacking comprehensive support for their economic integration or cultural empowerment (Armin & Hajiani, 2015; Golmohammadi, 2002).

The case of *Mehres* illustrates these complexities. While there is recognition of its cultural value, the absence of digital infrastructure, formal education programs, and institutional investment has limited its regeneration. At the same time, as García et al. (2021) demonstrate in their case study of Etsy, digital platforms can act as powerful enablers of cultural continuity and entrepreneurial growth for traditional artisans (García et al., 2021). Drawing on this theoretical and empirical background, this study aims to examine both the challenges and strategic opportunities for revitalizing *Mehres* through cultural entrepreneurship and technology in Iranian Kurdistan.

Methods and Materials

This research adopted a qualitative design using thematic content analysis to capture the nuanced perspectives of stakeholders involved in cultural development. Data were collected through semi-structured interviews with 14 university faculty members in Iran who specialize in fields such as cultural entrepreneurship, sustainable development, innovation, and Kurdish cultural studies. Participants were selected purposively based on their academic expertise and practical involvement with cultural projects in Kurdistan. The interview protocol focused on themes including the current status of *Mehres*, barriers



to its revival, institutional support systems, and the role of technology. Interviews were recorded, transcribed verbatim, and analyzed using NVivo software. Coding followed a three-stage process—open, axial, and selective—allowing for the identification of key themes and subthemes. Data collection continued until theoretical saturation was achieved.

Findings

The analysis produced two overarching themes: "Challenges" and "Strategies," each encompassing several subthemes. In the "Challenges" category, seven major subthemes were identified:

1. **Weak Technological Infrastructure:** Participants emphasized the lack of stable internet access, absence of local platforms, and insufficient access to digital tools in the region.
2. **Institutional and Legal Barriers:** There was a consensus on the disconnect between national cultural policies and local needs, highlighting bureaucratic complexity and lack of policy alignment.
3. **Lack of Effective Investment:** Respondents noted a risk-averse investment climate, with limited incentives for private or state-led support.
4. **Cultural and Generational Disconnect:** Younger generations reportedly lack awareness and appreciation for *Mehres*, resulting in a cultural transmission gap.
5. **Skills Mismatch and Educational Gaps:** The dominance of theoretical instruction over skill-based training was seen as a major issue in higher education.
6. **Absence of Networking and Market Linkages:** Isolation from national and international markets limits scalability.
7. **Unstable Government Support:** Inconsistent state funding and shifting political priorities were seen as threats to long-term cultural projects.

The "Strategies" category revealed six key subthemes:

1. **Utilization of Local and Affordable Technology:** Participants advocated for mobile applications and open-source digital tools adapted to regional conditions.
2. **Digital Cultural Marketing:** Emphasis was placed on using social media, digital storytelling, and e-commerce for product promotion.
3. **Empowerment of Local Artisans:** Proposals included skill-based workshops, entrepreneurial training, and access to micro-financing.
4. **Establishment of Intermediary Institutions:** Suggestions included the formation of cultural accelerators, innovation hubs, and advisory councils.
5. **Integrated Education Models:** Participants stressed the importance of hybrid curriculums combining arts and technology.
6. **Participatory Cultural Governance:** There was strong support for community-led decision-making and localized policy frameworks.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the multifaceted nature of cultural revitalization in a globalized and digitized era. The case of *Mehres* exemplifies both the vulnerabilities and strengths inherent in traditional cultural systems. On one hand, it is subject to the pressures of modernization, marginalization, and generational disengagement. On the other hand, it possesses intrinsic value, cultural depth, and aesthetic distinctiveness that can be leveraged through modern entrepreneurial and technological frameworks.



The identification of weak technological infrastructure as a key challenge affirms existing literature on the digital divide in peripheral regions. The lack of access to basic digital tools not only inhibits innovation but also alienates traditional crafts from global visibility. Moreover, the misalignment between local cultural needs and national policy agendas suggests a top-down governance model that fails to recognize or cultivate local agency.

However, the strategies proposed by participants reflect a practical roadmap for intervention. The emphasis on low-cost, adaptable technologies aligns with global trends in inclusive digital development. The potential of digital marketing and e-commerce, as illustrated in similar international case studies, confirms that even niche cultural products can find global audiences when appropriately presented. This opens a window of opportunity for *Mehres* to be repositioned as a symbol of cultural resilience and aesthetic innovation.

Empowering artisans and building intermediary institutions represent structural strategies to support long-term viability. Without mechanisms that link producers to markets, funders, and educators, cultural entrepreneurship remains abstract and unsustainable. Equally important is the integration of art and technology in education, which can bridge the gap between tradition and innovation and inspire a new generation of cultural entrepreneurs.

Finally, the call for participatory governance reflects an urgent need to democratize cultural policy-making. Communities should not only be beneficiaries of cultural programs but also co-creators of their vision and execution. In this regard, the revival of *Mehres* is not merely a cultural project but a test case for inclusive development in marginalized regions.

In conclusion, this study contributes to the growing body of research on cultural entrepreneurship and technological integration by providing an empirical and conceptual framework for the revival of traditional crafts. It highlights that successful cultural revitalization requires more than nostalgia; it demands strategic planning, technological access, institutional support, and above all, community ownership. The Kurdish *Mehres*, when approached through this multidimensional lens, can evolve from a fading artifact to a vibrant node of sustainable cultural identity and economic opportunity.

References

- Alizadeh, & Razavi. (2023). *Artificial Intelligence and Market Trend Analysis*.
- Andersson, T. (2020). Preservation through productivity: A framework for sustainable craft entrepreneurship. *Sustainability*, 12(9), 3567.
- Appadurai, A. (1996). *Modernity at large: Cultural dimensions of globalization*. University of Minnesota Press. <https://doi.org/10.2307/2547675>
- Armin, I., & Hajiani, E. (2015). Comparative Study of Ethnic Identity in Iran and Lebanon. *Applied Sociology*, 15-1(2), 26. https://jas.ui.ac.ir/article_18396_en.html
- Bahmani, R., Roshidi, A., Salehi, S., & Mofakhari, S. (2024). Evaluation of the Quality and Economic Value of Merkhaz Goat Breeding in Kurdistan Province. *Animal Sciences*, 36(141), 154-143. <https://doi.org/10.22092/asj.2023.362538.2319>
- Banks, J., & Deuze, M. (2009). Co-creative labour. *International Journal of Cultural Studies*, 12(5), 419-431. <https://doi.org/10.1177/1367877909337862>
- Creswell, J. W. (2014). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. SAGE. https://www.ucg.ac.me/skladiste/blog_609332/objava_105202/fajlovi/Creswell.pdf
- Folbre, N. (2001). *The invisible heart: Economics and family values*. The New Press. https://www.academia.edu/27586300/The_Invisible_Heart_Economics_and_Family_Values
- García, M., López, J., & Fernández, R. (2021). Digital platforms and the revival of traditional crafts: A case study of Etsy. *Journal of Cultural Economics*, 45(3), 321-335.
- Golmohammadi, A. (2002). A Look at the Concept and Theories of Globalization. *National Studies Quarterly*, 3(11), 18. https://www.rjnsq.ir/article_94745.html
- Iñiguez, L., Mueller, J., & Ahmed, S. (2014). Integrating traditional knowledge with modern technology in fiber animal husbandry. *International Journal of Sustainable Agriculture*, 8(4), 200-215.
- Mofakhari, S., Sadeghi Panah, A. H., Bahmani, R., & Salehi, R. (2019). Increasing the Reproductive Efficiency of Merkhaz Goats with Consecutive Birth (Three Births in Two Years). *Animal Sciences*, 32(123), 68-59. <https://doi.org/10.22092/asj.2018.116940.1711>



- Mofakhari, S., Sadeghi Panah, A. H., Bahmani, R., Salehi, R., & Andersson, T. (2019). Increasing the Reproductive Efficiency of Merkhaz Goats with Consecutive Birth (Three Births in Two Years) Preservation through productivity: A framework for sustainable craft entrepreneurship. *Animal Sciences*, 32(123), 68-59. <https://doi.org/TY-JOUR>
- Nambisan, S. (2017). Digital entrepreneurship: Toward a digital technology perspective. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(6), 1029-1055. <https://doi.org/10.1111/etap.12254>
- orientalists, A. g. o. p., & Fattah Ghazi, E. (1988). *Kurds in the Encyclopedia of Islam*. for the Publication of Kurdish Culture and Literature. <https://zancojournal.su.edu.krd/index.php/JAHS/article/view/295>
- Robertson, R. (1995). Glocalization: Time-space and homogeneity-heterogeneity. *Global Modernities*, 25(2), 25-44. <https://doi.org/10.4135/9781446250563.n2>
- Roshidi, A. (1999). *Genetic Evaluation of Economic Traits in Merkhaz Goats* Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University]. Tehran. https://journals.iau.ir/article_665354.html
- Scarda, U. (2010). *Cultural ecology: Human-environment interactions in the Anthropocene*. Cambridge University Press. https://www.researchgate.net/publication/255723360_Cultural_Ecology_Contemporary_Understanding_of_the_Relationship_Between_Humans_and_the_Environment
- Yalcin, B. C. (1989). Genetic similarities between Angora goats and Merkhaz breeds. *Journal of Animal Genetics*, 15(2), 112-125.

